

همشهری فرهنگ شهر

گفت‌وگو با افشین علاء، شاعر معاصر درباره آفتی که اشعار و مداحی عاشورا را تهدید می‌کند

شاعران بدون وضو برای امام حسین‌ع شعر نمی‌گفتند

گفت‌وگو
فرهاد شیرزادی
روشنفکر

ادبیات عاشورایی، قدمتی دیرینه

در ایران دارد. شاعران زیادی در کشور پهناور ایران از فارسی‌زبان گرفته تا ترک و عرب و گیلک و... از قرن‌های گذشته تاکنون برای واقعه بزرگ کربلا و جفاها و مصیبت‌هایی که به امام حسین(ع) و یارانش رفته، شعر سروده‌اند که برخی از آنها ترجیع‌بند تمام عزاداری‌ها و شورهای حسینی است؛ اشعاری همچون اشعار



گر به می‌انداخت. مساینگونه حرکت را ندانستیم. این یک آفت است که مداحی را در کنار ترانه‌های آنجانی قرار می‌دهیم.

این آفتی که در برخی اشعار عاشورایی و مداحی می‌بینیم، ریشه در چه چیزی دارد و چگونه باید آن را برطرف کرد؟
قرار بر این بود که مدح، ذکر و نوحه خوانی برای اهل بیت(ع) رونق بخش محافل آیینی و منبر علما و عواظ باشد. چرا که اینگونه فرصت‌ها مانند ماه‌های محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و سایر اوقات آیینی همیشه در نسل‌های بیابانی ما پنهان بود که دانشمندان، علما، روحانیان و عواظ مردم را هم با معارف قرآنی و هم با احادیث آشنا می‌کردند. چاشنی این منبرها و عواظ و کلاس‌های درس که انسان پرور بودند و برای خودشان مکتبی به‌شمار می‌رفتند، نغمات ذاکران و مداحان اهل بیت(ع) بود اما می‌بینیم که امروز این رویه برعکس شده است. در مناسبت‌ها منبر نیست که حرف اول را می‌زند، ذکر و مدح و عزاداری است که حرف نخست را می‌زند. شاید فقط وقتی ما در خردسالی بودیم، آن نسل را دیدیم. نسلی که در ایامی اینچنینی برای رفتن به هیئت، حسینیه و تکیه می‌گفتند فلان‌جا، فلان عالم منبر می‌رود ولی امروز جوانانی می‌گویند فلان مداح آنجا مداحی می‌کند! حرکتی هم حین اجرای مداحی انجام می‌شود که انسان واقعا تعجب می‌کند که چرا رسانه‌های ماه به ترویج این فضا دامن می‌زنند. حتی یک‌بار هم رهبر معظم انقلاب به این موضوع اعتراض کردند.



این خطوط قرمز چیست؟
خشونت، سیاهی و تلخی که برای بچه‌ها قابل بیان نیست و به روحیه و عواطف آنها لطمه می‌زند. باید از بیان چنین مواردی پرهیز کرد. اتفاقا بچه‌ها را باید وارد ساحات جدی تفاهیم شعری و معرفتی کرد. بچه‌ها اگر ندانند که در روزگار ما در غزه چه اتفاقی می‌افتد، شناخت ادامه‌دار خواهد بود. ما معترضی به نام تخیل و توهم داریم. توهم خطرناک است. بسیاری در زمینه‌های فرهنگی، هنری و سیاسی دچار توهم می‌شوند و آسیب‌های جدی به دیگران وارد می‌کنند. توهم یکی از

مصیبت‌هایی که به امام حسین(ع) و یارانش رفته، شعر سروده‌اند که برخی از آنها ترجیع‌بند تمام عزاداری‌ها و شورهای حسینی است؛ اشعاری همچون اشعار

دلیل آسیب رساندن به بشریت برای همه جوامع است اما تخیل که از مصالح اصلی شعر و شعر بر آن مبتنی است، موهبت محسوب می‌شود. تخیل به مخاطب قدرت رواداری می‌آموزد. در انیمیشن‌ها و قصه‌های بچه‌های بینید، خرس، خرگوش، لاک پشت، درخت و کوه حرف می‌زنند. اینها تخیل است اما تخیل مثبت است. این تخیل به کودک رواداری را می‌آموزد. کودک با دیدن این تصاویر می‌تواند خودش را جای خرس، آهو، پرند و دیگر عناصر طبیعت بگذارد و یاد بگیرد که با آنها هم باید در بزرگسالی روادار باشد و در بزرگسالی برای جامعه و حتی محیط‌زیستش مفید واقع شود. آنچه باید از آن پرهیز کرد توهم است. تخیل می‌تواند منشأ خیر باشد.

شما بعد از شهادت رئیس‌جمهور، آیت‌الله رئیسی برای مادر ایشان شعری سرودید، پشت آن شعر چه بود و چه گذشت؟

آقای رئیسی به واقع از جمله معدود افرادی بود که با رفتن ما را غافلگیر کرد. دست کم من غافلگیر شدم. پس از ساعات اولیه که هلی‌کوپتر حامل ایشان و همراهانشان ناپدید شد، دلشوره عجیبی به من دست داد.

یک آن به‌خود گفتم که ایشان رئیس‌جمهور ما و سیدی ارزشمندند که در آستان قدس بوده و تجربیات فراوانی داشته‌اند. در آن لحظه، آن سال‌ها که جناب رئیسی فعالیت می‌کردند، به یاد آوردم و اینکه اغلب ما ایشان را نمی‌دیدیم. حال یا دل چرکین بودیم یا منتقد. به دلیل ایشان و فعالیت‌های ایشان کمتر دیده شد. من کاری به تبلیغات رسانه‌ای ندارم اما آقای رئیسی شب و روز زحمت می‌کشیدند و رئیس‌جمهوری کاخ نشین نبود که کنج عافیت گزیند و برای خودش شانی قائل باشد. بسیاری روادار بود و در مقابل بد اخلاقی‌هایی که دید مظلومانه سکوت کرد.

من رواداری ایشان را دیده بودم. یک‌بار هم با ایشان دیدار داشتیم که ایشان را انسانی گشاده‌رو با سعه صدر و متواضع یافتم. در فرهنگ ما ایرانی‌هاست وقتی عزیزی را از دست می‌دهیم، بیشتر خوبی‌های او را به‌خاطر می‌آوریم. این موضوع گذشت تا تصویری از مادر ایشان در تلویزیون پخش شد. من خیلی متقلب شدم. گذشته از شخص جناب شهید رئیسی، یکی از مواهب انقلاب اسلامی ظهور طبقه حاکمی است که شبیه‌ترین آدم‌ها به فرودست‌ترین اقشار جامعه است. این در دنیا کم‌نظیر است.

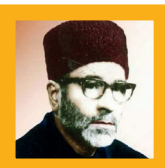
مادر رئیس‌جمهور در محله‌ای در مشهد، در خانه‌ای که واقعا فقیرانه بود و هیچ امکاناتی نداشت، زندگی می‌کرد و بعدها اهالی محل در یافتند که این زن مادر رئیس‌جمهور است. این یک حماسه است و باید روی این موضوع داستان‌ها و شعرها نوشت و سرود. وقتی مادر ایشان را دیدم که با آن داستان حنا بسته، شبیه‌ترین آدم به زنان کهنسال روستایی یا محروم شهری است، عواطف گوناگون مرا در بر گرفت. ایشان را بی‌ادعا و در عین حال مومن، پاکیزه و وارسته یافتیم. مانند کسانی که گوهری اند اما ناشناخته در کنجی نشستند و کسی آنها را نمی‌شناسد. خیلی دلم سوخت و ناخودآگاه برای مادر ایشان آن شعر را که شما به آن اشاره کردید سرودم.

معروف‌ترین اشعار عاشورایی



محتشم کاشانی

مرثیه‌ای که این شاعر در رابطه با واقعه کربلا و غم از دست دادن سیدالشهدا(ع) سروده است با وجود گذشت بیش از ۴۰۰ سال هنوز در هیئت‌های مذهبی زمزمه می‌شود و بی‌تی از این ترکیب‌بند روی سیاه‌های محرم حک شده است: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است/ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است».



حاج عباس قلی یحیوی اردبیلی

شهرت استاد یحیوی در مرثیه‌سرایی برای امام حسین(ع) چنان زیانزد است که در گذر زمان لقب تاج الشعرا برای این شاعر مذهبی انتخاب شد. بیشتر سروده‌های استاد یحیوی به زبان ترکی است که با وجود گذشت نزدیک به ۵۵۰ سال هنوز هم اشعاری همچون «لیلیک» او در هیئت‌های حسینی طنین انداز می‌شود: «علی جان بالالیلیک لب‌عشمان بالالیلیک اسون خیمیه گلدی‌هایان‌دان بالالیلیک»



شفیعی کلکاتی

ادیب و شاعری که شهرت او در حوزه ادبیات عیان است و در میان اشعار مختلف جای‌مانده از این استاد، سروده‌ای در رابطه با امام حسین(ع) بسیار مورد اقبال دوستداران شعر قرار گرفته است: «برسم آزادی و پیگار حقیقت جویی همه جا، صفحه‌نابنده آیین تو بود/ آنچه پر ملت اسلام حیاتی بخشید، جنبش عاطفه و نهضت توین بود»



ناصرالدین شاه

در سال‌های اخیر اشعار این پادشاه قاجاری از سوی واعظان مسعود توجه قرار گرفته است. او که در زمان حیاتش بارها به کربلا و معنی مشرف شده بود، در یکی از رباعی‌هایش، سیدالشهدا را اینگونه توصیف می‌کند: «عشق تو فزون ز ممکنات است حسین، خون از عطشت دل فرات است حسین/ در عرصه کربلا به راه معشوق، کاری کسره که عقل مات است، حسین»

عکس نوشت

الناز عباسیان

روزنامه‌نگار



گزارشی تصویری از حال و هوای کودکان و نوجوانان در سوگواری ماه محرم

ای عشق بچگی ام، حسین‌ع

عجب جاذبه‌ای دارد این حسین(ع)؛ جاذبه‌ای که هیچ تحریم و تهدیدی نمی‌تواند ذره‌ای از آن کم کند. این عشق با تار و پودمان تنیده شده و به قول شاعر «من عشق حسین(ع) را با شیسیر از مادر گرفتم». حالا این روزهای محرم، اوج دلدادگی‌های پیر و جوان به سیدالشهدا(ع) است. در چند تصویر گوشه‌ای از ارادت کودکان و حضور پرشورشان در مراسم این ماه عزیز را مرور کرده‌ایم.



خیلی از پسرها کار گروهی و مسئولیت‌پذیری را در همین هیئت‌ها یاد گرفته‌اند. از همان روزی که با بچه‌های محله چند روز مانده به ماه عزا جمع شده و با چادرهای مادرانشان گوشه پیاده‌روها و داخل پس‌کوچه‌ها تکیه زدند و سینه‌زنی کردند. یکی شد رئیس هیئت و چند نفر مسئول نذری و چند نفر تدارکات و... همگی توی این هیئت‌ها به عشق ارباب‌شان قد کشیدند و مرد شدند.



چه سری است در این خون به ناحق ریخته شهید کربلا که نسل به نسل می‌جوشد و به قول بچه‌های امروزی هر روز به تعداد فالوئرهایش افزوده می‌شود. فالوئرهایی که در بیمارار فکری دشمنان اسلام هر روز تهدید و تحقیر می‌شوند اما افتخار ابدی‌شان، غلامی در این درگاه است. فالوئرهای دهه هشتادی و نودی امام حسین(ع) دم‌تان گرم که با تمام همجه‌ها و توفان مجازی، کنار پیر غلامان، حسینی‌وار پای کارید.



ایستگاه‌های صلواتی همیشه پر از حس و حال خوب است و این حال خوب با حضور بچه‌هایی که با عشق پدیرایی می‌کنند دوچندان است. این بچه‌ها برکت عزاداری حسین(ع) اند و اگر نباشند انگار یک چیزی کم است. پسرک نوجوان به یاد تشنه لبان کربلا، با شرتی خنک، کام عزاداران را ششیرین می‌کند و می‌گوید: «دوست دارم کنار پدر و عموهام نذری پخش کنم.»



محرم، ماه انسان‌سازی است و چه فرصت خوبی است برای پدران و مادران که بکار تباط معنوی و عارفانه را میان کودکان و سالار شهیدان حسین(ع) به‌وجود بیاورند. خرید پرچم و سیاهپوشی خانه و حسینیه با کمک همین بچه‌ها بهترین بهانه برای همراهی نسل جدید با سوگواری امام حسین(ع) است.



هوا پر از بوی اسپند و عطر گلاب است و این کتیبه‌های محتشم است که حسینیه را نور بخشیده. بچه‌ها کنار بزرگ‌ترها نشستند و خبر ندارند که این تازه شروع راه عاشقی است. ما هم آن روزهای کودکی فکر نمی‌کردیم این عشق چنین ریشه در جان ما بیندازد و مجنون شویم.